

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اپریل ۲۰۲۲

مدارس دینی به جای معارف عصری!

دوشنبه - ۰۵ ثور ۱۴۰۱ - کابل: در سفری که امروز "مولوی نورالله منیر" سرپرست وزارت معارف در نظام ملا سالار در ولایت لوگر داشت، در جواب متعلقان معارف که از کمبود مکاتب و فقدان معلمان شکایت داشتند، وعده داد که وزارت معارف در نظر دارد تا نه تنها در هر ولایت یک مدرسه دینی بسازد بلکه در هر ولسوالی و حتا هر قریه ای با ساختن یک "مدرسه دینی" امکان تحصیل را برای فرزندان این وطن مساعد بسازد. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- از مدتها بدین سو چه قبل از حاکمیت نظام ملاسالار و چه بعد از آن همیشه گفته ام که در کنار تضاد کار و سرمایه و ده ها تضاد از همان سنخ، تضاد بین "معلم و ملا" و تضاد بین "معارف عصری و مدارس دینی" از جمله تضاد هائی بوده اند که در نیم قرن اخیر بیشترین تقابل ها را با یک دیگر داشته، این تقابل ها گاهی به تصفیه های خونین طرفین منجر شده است.

یعنی در حالی که نوکران شوروی متوفا یعنی باند های خلق و پرچم، ضمن خصومت آشتی ناپذیر و مرکبار با فرزندان معارف، دستان شان را بر روی قشر ملا و مدارس دینی بلند نمودند، اسلام سیاسی چه در هیأت جهادی ها و چه هم در هیأت طالب، معلم و معارف عصری را دشمن خویش اعلام داشته، تا توانستند مکاتب را بستند و سوختاندند و معلمان را کشتند تا به زعم خود شان از معارف انتقام بگیرند.

۲- آنچه امروز در افغانستان می گذرد یعنی نظام ملاسالار از یک جانب به بهانه های مختلف درب مکاتب عصری را می بندند، چنانچه از یک هفته بدین سو درب تمام مکاتب در دشت برچی به بهانه "تأمین امنیت" مسدود شده اند و از جانب دیگر تلاش دارند تا هر چه بیشتر مدارس دینی جدیدی را افتتاح و بازگشائی نمایند، بیانگر آن است که سیاست تخریب معارف عصری با همان شدت و حدت منتها اینبار از جانب حاکمیت با توطئه های اداری، تعقیب می گردد. آنچه در این میان برای وزارت معارف نظام ملاسالار اساساً مطرح نیست، آینده افغانستان و ارتباط آن با نصاب تعلیمی که در نظر دارند تطبیق نمایند می باشد.

۳- علی رغم این که می دانم این تصمیم سرپرست وزارت معارف نظام ملاسالار از روی نادانی نیست یعنی او کسی نیست که نداند بستن درب مکاتب عصری، یعنی تخریب آینده افغانستان و ایجاد مدارس دینی تمام افغانستان را به یک "چلی ستان" مبدل کردن می باشد، باز هم جهت اتمام حجت باید بنویسم:

در هر جامعه ای، می خواهد پیشرفته باشد و یا عقب مانده، تدوین نصاب تعلیمی کلاً در خدمت برنامه های انکشافی و تطبیقی همان جامعه قرار داشته، فقط زمانی می تواند از تطبیق موفقانه آن صحبت نمود که اهداف معینه قبلی را برآورده بتواند. به صورت مثال:

شما یک جزیره دور افتاده را با جمعیت ۱۰۰۰ نفر در نظر بگیرید که بر مبنای خواست زمامدار آن تمام جوانان در آنجا می باید داکتر طب شوند. ۱۰- ۱۵ سال می گذرد هر ۱۰۰ کودکی که در مکتب شامل شده اند، ۱۰۰ و حداقل ۹۰ نفر آن داکتر طب آنهم خیلی ورزیده شده اند. حال این جزیره ای که هزار باشند دارد با این صد داکتر حاذق چه کند؟ در حالی که در تمام جزیره یک کفاش، یک نانوا، یک داروساز، یک خیاط، یک بنا و معمار وجود ندارد، ۱۰۰ داکتر حاذق از صبح تا شام در معاینه های شان نشسته، باید یک دیگر شان را معاینه نمایند.

از این مثال ساده می توان استنباط نمود که در هر جامعه ای تدوین نصاب تعلیمی، می باید در خدمت رفع حوایج جامعه قرار داشته باشد، نه برآورده ساختن خواست حاکمیت. حال با همین مثال می رویم به دنبال مدارس دینی. فرض می کنیم که مولوی "نورالله منیر" که نام و تخلصش روشنائی مکرر است اما در اصل، تاریکتر از وی در روی کره زمین کم پیدا می شود، در تطبیق اهدافش موفق می شود در سراسر افغانستان مدارس دینی اعمار می گردد، مدارس هم محصولات فوق العاده شان را به صورت "مولوی" هایتر از اول بیرون می دهد، با ختم درس شان، آنها چه گلی را بر فرق این ملت خواهند زد و اصولاً افغانستان با میلیونها مولوی چه مشکلی را حل خواهد توانست.

هموطنان گرامی!

بیانید از این موضع و منظر حرکت نمائیم که این وطن از ماست، مالک آن ما هستیم نه مولوی "منیر" و بقیه جنایتکاران طالب. بیانید در قبال امروز و فردای خود و کشور، خود را مسؤل احساس نمائیم، بیانید نگذاریم یک مشت دزد و وطنفروش هرچه دلشان می خواهد در حق ما و مردم ما و کشور ما عملی می نمایند و ما هم از ترس صدایمان را بلند نمی کنیم، مگر این زندگی چه ارزشی دارد که فردا نتوانیم به طرف فرزندان خود نگاه نمائیم؟

هموطنان گرامی!

می دانید معنای در هر ولایت و در هر ولسوالی و قریه یک مدرسه دینی ساختن چیست؟ اگر نمی دانید بدانید که معنایش افغانستان را "چلی ستان" ساختن است. معنایش تخریب آینده کشور و حیات فرزندان ماست. بیانید علیه این خودسری ها و دشمنی با مردم و تاریخ و آینده کشور ایستاده شویم، نگذاریم چند وطنفروش با استفاده از جبن و ترس ما، آینده فرزندان ما را تخریب نمایند.

یعنی حال که تضاد میان معارف عصری و مدراس دینی کاملاً آشکار شده است با بستن درب مدارس دینی حتا با تخریب آنها به نوکران ارتجاع منطقه بفرمائیم که این وطن بی صاحب نیست و هنوز صاحب دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!